



تجزیه و تحلیل کوتاهی

درباره

عجیب و غریب جوانان

شماره ۱۱ - سال ۱۳

شماره مسلسل ۱۵۵

درس‌هایی
از

مکتب اسلام

* اگر این لباسها و موهای عجیب برای بعضی بکنوع تقلید
کور کورانه یا اقتباس از بعضی توریستها و فیلمها باشد ، برای
بسیاری نشانه نیازها و کمبودهای روحی و احساس حقارتهاست!
* برای بجات جوانان از این وضع ناخنجار ، تمهاده ، شخصیت -
دادن به آنها از طریق گشودن درهای اجتماع به روی آنان و
پرورش ارزشهای اصیل و معنوی در آنهاست.

آبان ۱۳۵۱

شوال ۱۳۹۲

* * *

این روزها مسئله‌ای بر مسائل دیگر اجتماعی ما افزوده شده و آن موضوع طرز لباس
و موهای جوانان و همچنین شکل و زینت داخل و خارج اتومبیلهاست که
بعضی دارند .

علی‌رغم اصراری که بعضی در مورد عادی نشان دادن این کار و حمل بر روح
«بومی» و «تنوع جوانی» جوانان دارند ، مسئله هم از نظر «روانی» قابل مطالعه است
و هم از نظر «اجتماعی» .

لباسهای فوق العاده بلند با کوتاه ، رنگارنگ ، رنگ پرچم ، بشکل روزنامه

وبرنگهای در هم و برهمی که در فکر هیچ نقاشی در گذشته خطوط نمی کرد، لباسهای کاملاً دخترانه برای پسران، و لباسهای کاملاً پسرانه برای دختران، شلووارهایی که پاچه‌های گشاد آنها مانند جاروب برقی همه جا گریه‌ها را می‌بلعد، و بالانه تنگ و زننده‌شان خون را در رانها و اسافل اعضا از جریان می‌اندازد، موهای بشانه ریخته‌ای که گاهی از زولبدگی انسان را به یاد موجودات قبل از تاریخ می‌اندازد، و گاهی بقدری پرش داده است که خودش هم اگر از وضع خودش خیردار نباشد بهنگامی که در برابر آئینه می‌ایستد خویش را با دختران اشتباه خواهد کرد، و همچنین نصب پروژکتورها و نورافکنهای قوی جلوی اتومبیلهای شخصی خود و بند کردن خر مهره و زنگوله و منگوله و هر چیزی بنظرشان جالب آید داخل و خارج اتومبیل‌ها، و خلاصه کارهایی که اگر کسی در گذشته انجام میداد، بدون چون و چرا روانه تسماسستانش می‌کردند، هر کدام به‌تهنائی می‌تواند موضوع قابل ملاحظه‌ای برای روانکاران و جامعه شناسان باشد.

ممکن است اینها در نظر ساده و عادی جلوه کند اما قطعاً چنین نیست.

در واقع همه اینها نشان میدهد که جوانان مادر اجتماع کنونی گمشده‌ای دارند که برای یافتن آن به‌هر دری می‌زنند اما ما یوس برمی گردند. آنها میخواهند روح بر نیاز و پراضطراب خود را باین کارها تسکین دهند. و شاید باشکستن سنتها از آنها که تحقیرشان کردند انتقام بگیرند، و یا گاهی نظر جنس مخالف خود را از این راه متوجه خویش سازند.

ولی هنگامیکه می‌بینیم در برابر این سؤال که چرا خود را به این وضع در می‌آوردید جواب کم و بیش مشترکی می‌شنویم که «مخوام مهم با دیگران فرقی داشته باشم، خودمان را نشان دهیم، جلب توجه کنیم، میخواهیم محظوظ ما را بشناسد» باین نتیجه می‌رسیم که اینها غالباً یک نوع واکنش منفی در برابر وضع ناپسند کنونی اجتماعی ماست.

اگر آنها احساس کنند که با شخصیتشان، با فکرشان، با سوادشان با علم و هنرشان می‌توانند مورد توجه قرار گیرند هرگز به این وسایل متوسل نمی‌شوند، ولی اجتماع آنها برای این مسائل ارزشی قائل نیست!

خلاصه آنها تشنه شخصیتند و از اینکه محیط اجتماعی توانسته است شخصیت مورد نظر آنها را با آنها بدهد رنج می‌برند، و گویا می‌خواهند از این راه شخصیتی ساگر-چه کاذب و بدلی باشد پیدا کنند.

چندی پیش که بعضی روزنامه نگاران ما به چین رفته بودند در گزارشهای سفر خود تصریح کردند که در هیچ نقطه از کشور پیمایز و عظیم چین از مینی-توپ و ماکسی توپ خبری نبود، از موهای بدلی و همبلی تری اثری دیده نمی‌شد، همه جالباسها ساده و شکل و قیافه‌ها کاملاً عادی، و بجای همه این حرفها، همه جاسخ از «مطالعه کتاب» و «کار» بود!

این مطلبی بود که پس از مراجعت درجراتد نوشتند که در آن یکدنیا شرمندگی نهفته و مستتر بود!

اگر راستی همه دستگاههای تبلیغاتی و فرهنگی ما جوانان را به مطالعه و کار تشویق کنند و تنها نشانه شخصیت را علم و دانش و کار و صفات عالی انسانی و ایمان معرفی نمایند و خلایع و وحی جوانان باین وسایل پر شود مطمئن باشید بزودی و بدون هیچگونه نیاز به شدت عمل که نتیجه‌اش احیاناً لهجاست و با فشاری بیشتر است این وضع مضحک و زننده برچیده خواهد شد و همه به وضع عادی باز خواهند گشت، و اینهمه نیرو و فکر آنها در مسائل مسخره‌ای صرف نمیشود. امامت‌آستانه . . . !

* * *

خدا این جوان را دوست میدارد

بسم الله الرحمن الرحیم (ص) فرمود

ان الله يحب الشاب الذي يضي شبابه في طاعة الله

خدا آن جوان را دوست دارد که در جوانی شبه‌اش را بخدمت او بگذراند